

حجیت سنجی اعراض مشهور

طاہر علی محمدی^۱، سید محمد حسینی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۱۸)

چکیده

مراد از اعراض مشهور آن است که مشهور فقها با وجود اطلاع از یک حدیث صحیح السنه، بدان عمل نکرده و فتوایی برخلاف آن صادر کرده باشند. از دیدگاه بیشتر فقیهان، اعراض مشهور قداً از سند یک روایت، موجب ضعف آن می‌شود؛ اما اعراض آنها از دلالت روایت، موهنیت ندارد؛ در مقابل، برخی دیگر از فقها اعراض مشهور از سند یا دلالت را موهن آن تلقی نکرده و بر حجیت روایت مورد بحث پافشاری نموده‌اند. با توجه به تأثیر این دو دیدگاه در صدور فتاوی مختلف، انجام پژوهش حاضر ضرورت یافت. در این تحقیق با نقد و بررسی دلایل اقامه شده بر حجیت و عدم حجیت اعراض مشهور به دست آمد که اعراض مشهور چه نسبت به سند و چه دلالت، موجب وهن حدیث نمی‌شود.

کلید واژه‌ها: اعراض مشهور، حجیت اعراض، موهنیت اعراض، سند روایت، دلالت روایت.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه ایلام، (نویسنده مسئول)؛

E mail: t.alimohamadi@ilam.ac.ir

E mail: hoseini.sm@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران؛

طرح مسئله

گاهی در لابه‌لای بحث از شهرت در کتب اصولی و نیز در مستندات برخی فتاوا به عنوانی با نام «اعراض مشهور» برخورد می‌شود که اصولیان و فقها، بدون تبیین و تفصیل خاصی از آن گذشته‌اند. مقصود از این عنوان آن است که مشهور فقها فتوایی داده و به روایت صحیحی که مخالف با محتوای آن فتوا است، با وجود داشتن آگاهی و توجه به روایت، عمل نکرده‌اند.

به عقیده بیشتر فقها، اعراض مشهور قدما از سند یک روایت صحیح، می‌تواند آن را به لحاظ کشف از وجود خلل در سندش از دلالت بیندازد؛ اما از جهت دلالت این کارایی را ندارد. در مقابل، فقیهانی هم هستند که با این دیدگاه مخالفت کرده و از هیچ جهت آن را موجب وهن حدیث ندانسته‌اند. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام می‌پذیرد، سعی بر آن است که با تبیین، نقد و بررسی دیدگاه‌ها و دلایل فقها و اصولیان در اعتبار یا عدم اعتبار اعراض مشهور، به صورت مستند و مستدل، دیدگاه صائب و صحیح‌تر به دست آید.

سؤالات پژوهش

مسئله اصلی این تحقیق، بررسی اعتبار و حجیت اعراض مشهور است که برای رسیدن به پاسخ کافی در باره آن باید از دو زاویه مورد بررسی قرار گیرد:

- الف- چه ادله‌ای بر موهنیت اعراض مشهور نسبت به سند روایت وجود دارد و آیا این اعراض می‌تواند به حجیت یک روایت دیگر در سند مشابه صدمه وارد کند؟
- ب- روایتی که از جهتی مورد اعراض قرار گرفته و دلالت آن بر مسأله‌ای فقهی مورد اعراض قرار گرفته، چگونه و با چه شرایطی می‌تواند مورد استناد از جهات دیگر قرار گیرد؟

پیشینه پژوهش

در باره‌ی اعراض مشهور که در بسیاری از فروع فقهی مورد استناد عده زیادی از فقها قرار گرفته، به غیر از کتب اصولی معاصر که به شکل خیلی مختصر به آن پرداخته‌اند، برخلاف شهرت فتوایی و عملی که به صورت ویژه مورد توجه اصولیان قرار گرفته‌اند، بحث مستقلی سامان نیافته است. با وجود تدوین مقالاتی چند در زمینه شهرت فتوایی، شهرت روایی و جابریت عمل مشهور، در خصوص اعراض مشهور، تحقیقات قابل توجهی صورت نگرفته است. البته مقاله‌ای با عنوان «اعراض مشهور از خبر صحیح» به نگارش

درآمده که علمی - پژوهشی نیست و گذشته از اینکه مباحث آن با مباحث مطروحه در این مقاله تفاوت اساسی دارد، برخلاف پژوهش حاضر چنین نتیجه گرفته است که «اعراض از سند و دلالت خبر، موجب وهن آن می‌شود و از قابلیت استناد می‌افتد».

نوآوری پژوهش

با توجه به خلأ علمی و تحقیقاتی که در این باره احساس می‌شود، پژوهش حاضر به صورت جدی و مستقل، موضوع را به بررسی گرفته است. هرچند در فقه امامیه، اندک فقهای قائل به عدم حجیت اعراض مشهور شده‌اند، اما با توجه به اینکه دیدگاه مشهور فقها بر حجیت اعراض مشهور، دیدگاه غالب در فقه امامیه در همه اعصار و نیز عصر کنونی است و نظریه عدم حجیت، یک نظریه نادر محسوب می‌شود و اقبالی نسبت به آن وجود ندارد، احیا و اثبات این نظریه نادر، امری نو و جدید محسوب خواهد شد؛ به‌ویژه اینکه نظریه مشهور را با طرح اشکالاتی جدید به نقد و بررسی گرفته و با ارائه ادله‌ای کاملاً نو و جدید، دیدگاه نادر را به اثبات رسانده است.

۱. مفهوم اعراض مشهور و مقصود از آن

واژه ترکیبی «اعراض مشهور» به معنای روگرداندن افراد معروف از چیزی است؛ چنان‌که در اصطلاح اصولیان به معنای عدول از یک روایت توسط مشهور فقها است [نک: ۳۰، ج ۱، ص ۳۰۹؛ ۳۹، ج ۲، ص ۱۰۰]. صدق اعراض منوط به احراز دو امر است: الف - عدم عمل مشهور با وجود اطلاع از روایت؛ بنابراین در فرض احتمال عدم اطلاع، اعراض، موجب ضعف روایت نمی‌شود [۳، ج ۲، ص ۱۰۰]. چنین حدیثی اگر صحیح‌السند باشد، بدون اشکال جایز‌العمل است [۲۰، ج ۱، ص ۲۸۰]. راه فهم اینکه مشهور، خبر مزبور را دیده‌اند آن است که حدیث را با سندهای معتبر نقل کرده باشند و یا در جوامع حدیثی مشهور یافت شود؛ زیرا در این حالت، بعید است که با وجود شدت فحص آنان از اخبار منقول از اهل‌بیت(ع) مخصوصاً روایات مرتبط با احکام، بر آن خبر اطلاع پیدا نکرده باشند [۳۰، ج ۱، ص ۳۰۹؛ نک: ۳۷، ج ۳، ص ۵۲۵]. ب - ناشی نشدن «اعراض» از اجمال حدیث یا عدم ظهور در معنای مورد نظر، یا از روی تقیه و یا تعارض با خبری که از حیث سند یا دلالت از آن قوی‌تر است [۳۰، ج ۱، ص ۳۰۹؛ نک: ۲۳، ج ۱۰، ص ۳۳۶] و الا بدون هیچ تردیدی حجیتی ندارد.

در اینکه اعراض در چه دوره‌ای و توسط کدام دسته از فقها محل بحث است،

اختلاف نظر وجود دارد. برخی از اصولیان به ضرورت صدور اعراض از مشهور قدمای اصحاب که نزدیک به عصر حضور بوده‌اند تصریح کرده [۱۷، ج ۶، ص ۳۹۱؛ ۳۰، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۹]؛ و اعراض مشهور متأخرین را معتبر ندانسته‌اند [۴۰، ج ۳، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ نک: ۳۶، ج ۳، ص ۲۵۳]. در مقابل، عده‌ای نیز به طور مطلق آن را حجت دانسته‌اند [نک: ۲۳، ج ۱۰، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ ۳۵، ص ۵۲۹-۵۳۲]. با این وجود، به نظر می‌رسد اختلاف در حجیت اعراض، اختصاص به قدما ندارد و اعراض مشهور متأخرین نیز قابلیت بحث را دارد؛ زیرا هم فائزانی در این خصوص وجود دارد و هم اینکه ملاک موهنیت اعراض، چنان‌که خواهد آمد، به اعتقاد بسیاری از فقها وثوق و یا ظن به وجود خلل در حدیث است و این مناط، امکان تحقق در ناحیه اعراض مشهور متأخرین را نیز دارد.

۲. دیدگاه‌ها در حجیت اعراض

۲-۱. اعراض از سند

در خصوص موهنیت اعراض مشهور نسبت به سند، چند دیدگاه وجود دارد:

۲-۱-۱. حجیت

به اعتقاد مشهور متأخرین، عدول از یک خبر، موجب سلب حجیت می‌شود [۳۰، ج ۱، ص ۳۰۹]؛ به گونه‌ای که افزایش صحت خبر، بر ضعف آن می‌افزاید [۳۷، ج ۲، ص ۴۵۰]. نائینی در این خصوص می‌گوید: «اشکالی نیست در اینکه هر کدام از شهرت عملی و فتوایی که برخلاف یک روایت باشند، روایت صحیح را تضعیف می‌کنند اگر آن روایت در معرض دیدن و شنیدن آنها باشد» [۳۹، ج ۲، ص ۱۰۰]. آقا ضیاء عراقی نیز ابتدا در یک جا به صورت مطلق می‌گوید: «هرگاه شهرت فتوایی از ناحیه قدما باشد، سبب ضعف روایتی می‌شود که برخلافش باشد» [۳۱، ج ۳، ص ۱۰۱] و سپس با بیان صور مختلف مناط در حجیت روایت [۳۱، ج ۳، ص ۱۸۴-۱۸۵]، به علت کاشف دانستن اعراض از وجود خلل در سند روایت، موهنیت اعراض را پذیرفته است [۳۱، ج ۳، ص ۱۸۶]. دیگر از فقهای که کاسریت اعراض را پذیرفته‌اند، می‌توان به حسین حلی از شاگردان نائینی [۱۶، ج ۶، ص ۳۹۱]، میلانی [۱۴، ج ۵، ص ۱۸۹]، حکیم [۲۵، ج ۲، ص ۲۱۸]، جزائری [۱۰، ج ۴، ص ۳۸۹] و به نقل آیت‌الله سبحانی [۲۲، ج ۳، ص ۲۰۸] به آیت‌الله بروجردی و امام خمینی اشاره کرد.

برخی از علما با پذیرش تأثیر اعراض در وهن روایت، آنچه را که در تضعیف روایتی صحیح، مؤثر می‌داند، حصول اطمینان به عدم صدور آن روایت است که احتمال می‌رود از اعراض مشهور به دست آید. به اعتقاد وی بعید نیست که اطمینان به عدم صدور در اکثر موارد اعراض حاصل شود و عمده در مقام حجیت و عدم حجیت اخبار، همین وثوق و عدم وثوق به صدور است [۱۵، ص ۲۱۳].

۲-۱-۲. عدم حجیت

عده‌ای از علما اعراض را مضرّ به حجیت خبری که از حیث سند معتبر است، نمی‌دانند [۱۳، ج ۴، ص ۲۳۷؛ ۱۸، ص ۳۳۲ و ۳۳۳؛ ۲۰، ج ۱، ص ۲۳۶؛ ۲۷، ج ۲، ص ۱۳۸]. محقق خویی می‌گوید: «بر فرض اینکه خبر، فی‌نفسه (بدون در نظر گرفتن عوامل خارجی) صحیح یا موثق باشد، اعراض مشهور، تضعیف کننده روایت نیست؛ بلکه میزان در حجیت خبر، تمامیت سند خبر، فی‌نفسه است» [۲۰، ج ۱، ص ۱۶۷]. برخی دیگر، ضمن ردّ این مطلب که اعراض مشهور، کشف از وجود خلل در روایت می‌کند و آن را از اعتبار می‌اندازد، ملاک در موهن بودن یا نبودن اعراض را حصول یا عدم حصول وثوق و اطمینان به وجود خلل در خبر مورد نظر دانسته و متذکر شده‌اند که این حصول اطمینان نسبت به همه موارد اعراض یا غالب آنها کلیت ندارد [۸، ج ۶، ص ۲۱۲].

۲-۱-۳. دلایل قائلان به حجیت و پاسخ آنها

دلایل اعتبار اعراض مشهور عبارت است از:

الف- «اعراض مشهور از عمل به روایتی که دارای شرایط وثاقت است، علتی ندارد جز اینکه آنان بر نکاتی مطلع بوده‌اند که مقتضی اعراض بوده است؛ بنابراین اعراض، مقتضی سقوط روایت از حجیت است؛ مخصوصاً اگر آن اعراض از سوی قدمای از علمای ما باشد که نزدیک به عصر نصوص بوده‌اند؛ زیرا اطلاع و اعراض آنان از حیث کاشفیت، اماره‌ای قوی‌تر نسبت به روایت «معرض عنها» تشکیل می‌دهد؛ از این رو بر آن مقدم می‌شود» [نک: ۸، ج ۶، ص ۲۱۲؛ ۲۳، ج ۱۰، ص ۳۳۶-۳۳۷]. به عبارت دیگر، اعراض مشهور از مثل چنین خبری به‌ناچار کشف از وجود خللی در سند آن می‌کند که یا اطمینان‌بخش در عدم صدور روایت و یا صدور آن برای غیر بیان حکم واقعی است [۱۵، ص ۲۱۳] و یا موجب از بین رفتن اطمینان به آن می‌شود [۳۱، ج ۳، ص ۱۸۶]. روایتی هم که از حیث سند مشکل داشته باشد حجت نیست.

در پاسخ می‌توان گفت، اعراض از یک روایت یا موجب قطع و حداقل، اطمینان (علم عادی) و یا ظن به وجود خلل می‌شود و یا صرفاً خبر از احتمال وجود خلل در سند می‌دهد. بنا بر فرض اول، هرچند روایت از اعتبار می‌افتد [نک: ۳، ج ۳، ص ۴۳۷]؛ اما آن به سبب اعراض نیست؛ بلکه از این جهت است که خود قطع و بنا بر تصریح محقق خوئی، خود اطمینان، حجیت دارد، هرچند از خبر فاسق یا صبی که ذاتاً حجت نیستند به دست آید [۲۰، ج ۱، ص ۲۳۴] و روشن است که این فرض از محل نزاع خارج می‌شود. بنا بر فرض دوم نیز چنان‌که محقق اصفهانی معتقد است، کشف ظنی از وجود خلل، تضعیف‌کننده خبر نیست [۳، ج ۳، ص ۴۳۷]؛ زیرا دلیلی خاص بر حجیت این ظن وجود ندارد و افزون بر آن، حجیت خبر منوط به عدم ظن به وجود خلل نشده است. فرض سوم نیز که صرف احتمال است. میرزا جواد تبریزی در این خصوص می‌گوید: «در سخنان برخی از قدما آمده که بعضی امور را بر صحت خبر (معارض با روایت) معروض عنها» قرینه گرفته‌اند بدان جهت که مضمونش با احتیاط یا اصل و یا مثل آنها موافق بوده است. از این رو وثوق و اطمینان به دستیابی آنان بر وجود خلل در روایت دیگر (معارض عنها) و نرسیدن آن خلل به دست ما ممکن نیست. بله، اگر در موردی فرض حصول وثوق و اطمینان به وجود خلل بشود، تبعیت می‌شود (و آن خبر از حجیت می‌افتد)؛ ولی این، یک امر کلی نسبت به همه موارد اعراض یا امری غالبی در آنها نیست» [۸، ج ۶، ص ۲۱۲]. اگر هم در مواردی اندک حاصل شود، چنان‌که گفته شد، از محل بحث خارج است.

ب- اگر اعراض مشهور، کاشف از وجود خلل در سند روایت نباشد، حداقل به صدور آن اطمینان حاصل نمی‌شود؛ از این رو حجت نیست [۷، ص ۹۲]؛ زیرا میزان در باب حجیت خبر، حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم (ع) است نه فقط وثوق به راوی [۳۷، ج ۳، ص ۵۲۴].

در پاسخ باید گفت، دلیلی بر اینکه میزان در حجیت خبر، اطمینان به صدور خبر است، وجود ندارد. سیره عقلائی که عمده دلیل اعتبار خبر واحد محسوب می‌شود، بر عمل به خبر ثقه جریان دارد. برخی روایات نیز مؤید؛ بلکه دال بر این ادعا هستند؛ مثل سؤال راوی از امام (ع) در باره اینکه آیا یونس بن عبدالرحمن ثقه است تا احکام دینی را از او بگیریم؟ [۱۲، ج ۲۷، ص ۱۴۷] اساساً چگونه ممکن است ادعا شود میزان، وثوق به صدور است در حالی که کم اتفاق می‌افتد که اطمینان به صدور محقق شود؟ افزون بر

اینها اگر میزان، وثوق به صدور باشد، بحث طولانی از حجیت خبر واحد وجهی ندارد؛ زیرا حجیت اطمینان از واضحات اولیه است؛ زیرا قطع عقلا حجت است و اطمینان هم حجتی عقلایی است [۲۸، ص ۳۹-۴۰]. از این رو، محقق خوئی میزان در حجیت خبر را تمامیت سند خبر، فی نفسه می‌داند [۲۱، ج ۱، ص ۱۶۷].

در تأیید این ادعا می‌توان گفت برخلاف خبر فاسق که طبق آیه نبأ و تعلیل موجود در آن، میزان در عدم حجیت آن، عدم حصول اطمینان به صدور است نه فقط عدم وثوق راوی^۱، میزان در حجیت خبر عادل، وثوق به راوی است و تحقیق برای حصول اطمینان به صدور روایت لازم نیست. این حجیت هم منوط به عدم ظن به خلاف نشده است؛ بنابراین در صورت تمامیت سند، اعراض مشهور مضر به اعتبار خبر نخواهد بود.

۴-۱-۲. دلایل عدم حجیت

الف- خبر صحیح یا موثقی که سیره عقلا و اطلاق ادله، مثبت حجیت آن است، دلیلی ندارد که به سبب اعراض مشهور، به آن عمل نشود [۲۰، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷]. به عبارت دیگر، با فراهم بودن شرایط حجیت در روایت، رد آن و عمل به غیر آن ممکن نیست؛ زیرا موجب رد حدیثی می‌شود که شارع عمل به آن را واجب کرده است [نک: ۱۰، ج ۴، ص ۳۸۹].

برخی محققان در نقد این دلیل آورده‌اند: این ادعا و دلیل، بنا بر حجیت اخبار از راه تعبد صحیح است؛ زیرا اعراض مشهور، موجب ظن به عدم اعتبار خبر می‌شود و ظن به عدم اعتبار، آن را از عموم ادله حجیت خبر خارج نمی‌سازد؛ چون اعتبار خبر، مشروط به عدم ظن به خلاف آن نشده است؛ اما بنا بر حجیت اخبار از راه بنای عقلا به این ملاک که خبر باید مفید اطمینان باشد، اعراض، موهن خواهد بود؛ زیرا در این صورت، ملاک در حجیت خبر، موثوق‌الصدور بودن است و وقتی مشهور از خبر صحیح یا موثق اعراض کرده باشند، اطمینان به صدور آن تکویناً از بین می‌رود؛ بنابراین، عمل نکردن به آن خبر، به معنای عدم عمل به حجت و آن چیزی که شارع، عمل به آن را واجب کرده، نیست [نک: ۱۰، ج ۴، ص ۳۸۹-۳۹۰]؛ بنابراین، اگر در موردی خاص، اطمینان شخصی، نسبت به صدور یک روایت صحیح از بین نرود، همچنان حجت است. پس اعراض، در

۱. زیرا در آیه نبأ، علت وجوب تحقیق از صحت خبر فاسق، احتمال وقوع در ندامت بواسطه اعتماد به خبر فاسق از روی جهالت است. به عبارت دیگر خبر فاسق بالکل رد نشده تا گفته شود، مناط در عدم حجیت خبر فاسق، عدم اطمینان به مخبر است؛ بلکه رد یا قبول آن منوط به تبیین شده که این نشان می‌دهد ملاک در عدم پذیرش خبر فاسق، عدم وثوق به صدور است.

نفی حجیت، موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقی برای احراز عدم حجیت است. حال اگر مقصود منکرین حجیت اعراض، این باشد که اطمینان آنان به صدور حدیث از سوی امام(ع) از بین نرفته، حرف آنها متین است و الاً اگر به طور مطلق، حتی در صورت از بین رفتن اطمینان به سبب اعراض، منکر حجیت اعراض باشند، ادعایی بدون دلیل است [۱۰، ج ۴، ص ۳۹۲]. بر این نقد، چند اشکال وارد است:

۱- همان‌گونه که خود منتقد، اذعان کرده، بنا بر مبنای حجیت خبر از طریق تعبد، اعراض مشهور سبب وهن حدیث نمی‌شود و صرفاً بر مبنای حجیت خبر از طریق بنای عقلا موهنیت دارد؛ پس از دیدگاه ایشان حجیت اعراض کلیت ندارد.

۲- ملاک حجیت اخبار از طریق بنای عقلا، کشف ظنی از واقع است [نک: ۳۷، ج ۲، ص ۳۸۲] نه حصول اطمینان؛ چرا که نسبت به اخبار بدون قرینه، اطمینان و علم عادی به دست نمی‌آید که نتیجه آن، چیزی جز عدم حجیت بیشتر اخبار واحد، نخواهد بود؛ بنابراین، ملاک حجیت اخبار از طریق بنای عقلا، کشف ظنی از واقع است و خبر صحیح در صورت وقوع اعراض نیز، کشف ظنی دارد؛ پس به حجیت خود باقی می‌باشد.

۳- چنانچه بپذیریم که در فرض اعراض، خبر صحیح کاشفیت ظنی ندارد و یا اگر قائل بشویم که ملاک در بنای عقلا، حصول اطمینان است و اطمینان قابل جمع با اعراض نیست، باز نمی‌توان موهن بودن اعراض را پذیرفت؛ زیرا چنان‌که برخی از اصولیان در مقام نفی حجیت مطلق شهرت فتواییه گفته‌اند، «ممکن است چیزی نزد عقلا به یک ملاکی حجت باشد، ولی شارع بنای عقلا را از روی ملاک دیگری امضا کرده باشد... حکم شارع به مختار بودن در انتخاب یکی از دو خبر متعارض و متساوی با وجود عدم حجیت آنها از نظر عقلا، بر صحت این ادعا شهادت می‌دهد» [۳۷، ج ۲، ص ۳۸۲]؛ بنابراین، اگر شارع، بنای عقلا را در حجیت اخبار امضا کند، ملازمه‌ای با پذیرش آن ملاک توسط شارع ندارد. پس اعراض مشهور هرچند ممکن است اطمینان یا ظن به صدور خبر را از بین ببرد و در نتیجه، خبر، ملاک عقلا را نداشته باشد؛ اما احتمال دارد به ملاک دیگری نزد شارع معتبر باشد. اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال.

ب- دلیل حجیت خبر ثقه؛ چه روایات و چه بنای عقلا، به‌هیچ‌وجه مشروط به حصول ظن موافق با مضمون حدیث و یا مشروط به عدم حصول ظن بر خلاف مفاد روایت نیست؛ بنابراین، خبر ثقه حجت است هرچند بر خلاف آن، یک ظن (مثل اعراض) قیام کند [۱]، ج ۶، ص ۲۷۰]. صاحب کفایه به این دلیل اشاره کرده است [۱۸، ص ۳۳۳].

ج- اعراض مشهور، زمانی موجب خلل در روایت می‌گردد که معلوم شود فتوای

مشهور بر خلاف روایت و اعراض آنها از تمسک به آن روایت، به سبب اطلاع از وجود خللی در رجال سند بوده که نزد سایر فقها نیز خلل محسوب می‌شوند. در غیر این صورت، و نیز در فرضی که آن اعراض، ناشی از حسن ظن فقیه بعدی نسبت به فقهای قبل از خود باشد و یا به دلیل مخالفت آن روایت با احتیاط و امثال این احتمالات باشد، فتوای مشهور بر خلاف یک خبر و اعراض آنها از آن، موجب خلل در سند نخواهد شد [۱، ج ۶، ص ۲۷۰].

د- در توقیعی شریف از امام عصر (عج) آمده که فرموده است: «لا عذر لاحد من موالینا فی التشکیک فیما یرویه عنا ثقافتنا» [۳۲، ص ۵۳۶]؛ هیچکدام از دوستان ما مجاز نیستند در احادیثی که موثقین ما روایت می‌کنند تشکیک کنند. مطابق این حدیث، حصول ظن به عدم صدور، موجب وهن روایت نمی‌شود [نک: ۱۳، ج ۴، ص ۲۳۷]؛ زیرا به صورت مطلق، روایت راوی موثق، معتبر شمرده شده و مقید به قیدی مثل ظن به عدم صدور نشده است. دیگر آنکه همان گونه که شیرازی آورده، ظنی که دلیلی بر اعتبارش نیامده، مانند شک است [۱۳، ج ۴، ص ۲۳۷] و شک نمی‌تواند ظن معتبر را از حجیت ساقط کند.

نظریه مختار

از نقد و بررسی ادله‌ی قائلان به حجیت اعراض، دو مطلب به دست می‌آید: مطلب اول- عدم موهنیت اعراض مشهور نسبت به سند روایت؛ افزون بر دلایل قبلی، چند دلیل بر اثبات این دیدگاه قابل ارائه است: الف- بر موهن بودن اعراض مشهور، دلیلی خاص و قطعی وجود ندارد [ر.ک: ۱۵، ص ۲۱۲] و عدم دلیل، دلیل بر عدم است.

ب- اثبات این مطلب که اعراض مشهور به دلیل وجود شبهه‌ای از ناحیه دلالت روایت یا از ناحیه سند بوده، مشکل است؛ بنابراین، معلوم نیست که اعراض مشهور، نسبت به سند، رخ داده باشد و اعراض از دلالت نیز، چنان که خواهد آمد موجب ضعف روایت نمی‌شود. ضمناً اگر واقعاً روایتی از حیث سند، قرائنی قطعی بر خلاف داشته و سبب شده مشهور قداً از آن اعراض کنند، چه فایده‌ای در ذکر و حفظ آن در کتب حدیثی بوده که باعث شده اعراض کنندگان بر ذکر آن اصرار بورزند؟ این خود قرینه است بر اینکه یا از آن اعراض نکرده‌اند و یا با وجود عدم عمل، این حق را برای سایر فقها قائل بوده‌اند که آن روایت را ببینند و فتوای احتمالی مطابق آن بدهند.

ج- با توجه به اختلافات زیادی که در مناط حجیت خبر واحد وجود دارد [نک: ۴، ج ۱، ص ۱۰۹]، همان گونه که برخی فقها گفته‌اند، حداقل می‌توان گفت که مناط معلوم نیست؛ زیرا احتمال می‌رود سبب خاصی در این مورد دخالت داشته باشد [۶، ج ۲، ص ۴۵]؛ بنابراین، حتی اگر اعراض مشهور موجب ظن به وجود خلل در روایت و یا سبب عدم اطمینان به آن شود، به دلیل مجهول بودن ملاک حجیت خبر از سوی شارع، با توجه به تمامیت سند آن، نمی‌توان حکم به عدم اعتبار آن کرد.

د- دلیل حجیت خبر هر چه که باشد، اعراض، موهنیت ندارد؛ زیرا دلایل لفظی اطلاق دارند و تعبداً شامل روایت «معرض عنها» نیز می‌شوند و بنای عقلا هم گرچه لبی است و اطلاق ندارد؛ اما به علت معلوم نبودن ملاک در امضای بنای عقلا، چه بسا روایت با وجود نداشتن ملاک عقلا، به ملاک دیگری همچنان در نزد شارع معتبر باشد.

ه- اصولیان در فقه، عمل مشهور را جابر ضعف حدیث و اعراض مشهور را مسقط حجیت آن می‌دانند در حالی که در مباحث اصولی حجیت شهرت را رد می‌کنند [نک: ۳۶، ج ۳، ص ۱۷۵]. به عنوان نمونه شیخ انصاری که حجیت شهرت فتوایی را نپذیرفته [۴، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۷]، در مباحث فقهی قول مشهور را جابر دانسته است [۵، ج ۱، ص ۷۸-۷۹، ج ۳، ص ۱۲ و ج ۴، ص ۹۴، ۹۷-۹۸ و ۲۱۳]. جمع بین این دو قول ممکن نیست؛ زیرا چنان که برخی فقها گفته‌اند: «اگر ورع و فضل (مشهور) موجب علم به دستیابی آنها به دلیلی معتبر می‌شود، هر دو مقام (فقه و اصول) از یک وادی هستند و اگر بگوییم که محتمل است عمل یا اعراض (مشهور) ناشی از اجتهاد باشد، در آن صورت، اثری برای عمل و اعراض آنها نیست [۲۸، ص ۳۹].

مطلب دوم- عدم موهنیت اعراض نسبت به اسناد مشابه؛ بنابر نظریه مختار، وقتی که اعراض مشهور نسبت به سند یک حدیث، موجب وهن آن سند نمی‌شود، به طریق اولی نسبت به سندهای مشابه در روایات دیگر موهنیت نخواهد داشت. حتی بر فرض قبول موهنیت اعراض نسبت به سند روایت، باز نمی‌توان چنین اعراضی را موجب وهن و قدح سندهای مشابه در روایات دیگر دانست؛ زیرا چنان که بسیاری از فقها و علمای علم رجال معتقدند، از شرایط قدح یک سند آن است که سبب آن به تفصیل روشن باشد [۲۴، ص ۳۹۵]؛ در حالی که اولاً، معلوم نیست، سبب اعراض مشهور نسبت به سند روایت، وجود خلل در روایت بوده یا اینکه با وجود صحت سند، به دلیل وجود قرینه‌ای بر خلاف و یا تعارض آن با روایات صحیح دیگر بوده است. همان گونه که در برخی دلایل

دال بر نظریه مختار گفته شد، «در سخنان برخی از قدما آمده که بعضی امور را بر صحت خبر (معارض با روایت «معرض عنها») قرینه گرفته‌اند بدان جهت که مضمونش با احتیاط یا اصل و یا مثل آنها موافق بوده است. از این رو اطمینان به دستیابی آنان بر وجود خلل در روایت دیگر (معرض عنها) و نرسیدن آن خلل به دست ما اطمینانی حاصل نمی‌شود» [۸، ج ۶، ص ۲۱۲]. ثانیاً، حتی اگر اعراض مشهور ناشی از وجود خلل در سند بوده باشد، همچنان اسناد مشابه بر صحت خود باقی خواهند ماند؛ زیرا احتمال دارد مشهور، مواردی را در قدح روایت موثر بدانند که فقهای بعدی چنین نظری را نداشته باشند.

۲-۲. اعراض از دلالت

۲-۲-۱. حجیت اعراض

برخی از علما اعراض مشهور قدما را نسبت به دلالت روایت، موجب ضعف آن دانسته‌اند. از این دسته می‌توان به محقق نائینی اشاره کرد [۳۹، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲].

۲-۲-۲. عدم حجیت اعراض

مشهور فقها قائل به موهن بودن این نوع اعراض نشده‌اند. از این دسته می‌توان به آخوند خراسانی [۱۸، ص ۳۳۲]، آقاضیاء [۳۱، ج ۳، ص ۱۸۶-۱۸۷]، حسینی میلانی [۱۴، ج ۵، ص ۱۸۹]، حسینی شیرازی [۱۳، ج ۴، ص ۲۳۸] و جزائری [۱۰، ج ۴، ص ۳۹۲] اشاره کرد. در این میان، برخی از فقها، سخنانی دارند که ظاهراً ناظر به تفصیل در مسئله؛ اما در واقع، مخالفت با موهنیت اعراض مشهور از جهت دلالت است. محقق اصفهانی که از این گروه است، اعراض مشهور از دلالت روایت را در صورت کاشفیت قطعی آن از وجود خلل در دلالت، موهن روایت می‌داند که این منافاتی با ادعای او بر عدم حجیت اعراض ندارد؛ زیرا حجیت قطع، ذاتی و از محل بحث خارج است و لذا ایشان اعتقاد دارد که کشف ظنی از وجود خلل در دلالت روایت، سبب وهن دلالت آن نمی‌شود [۳، ج ۳، ص ۴۳۷]. سخنی هم مکارم شیرازی دارد که ممکن است تصور شود وی از موافقان با عدم حجیت اعراض مشهور نسبت به دلالت روایت است؛ در حالی که چنین نیست. ایشان که حجیت ظواهر را از باب ظن نوعی حجت می‌داند، بعد از اینکه اعراض مشهور را موجب وهن در دلالت روایت ندانسته، گفته است: «اگر از قرائنی، ظن نوعی بر خلاف ظاهر روایت حاصل شود، در آن صورت، ظهور روایت از حجیت ساقط می‌شود» [۳۷، ج ۲، ص ۴۵۰]. معلوم است که فرض وجود

قرائنی بر خلاف ظاهر روایت از محل بحث خارج است و ارتباطی با اعراض ندارد؛ هرچند به نظر می‌رسد که ظن به وجود قرائن کافی نیست و باید به حد قطع یا اطمینان برسد.

۳-۲-۲. دلیل قول به حجیت و پاسخ آن

محقق نائینی در آغاز بحث از این مسئله، قائل به عدم موهنیت اعراض مشهور شده با این استدلال که حجیت روایت از حیث دلالت، بستگی به ظهور روایت در آن معنا دارد و ظهور روایت به وسیله اعراض مشهور از بین نمی‌رود؛ زیرا نتیجه شهرت حصول ظن خارجی به عدم اراده ظهور است که این ارتباطی با موضوع حجیت ندارد. اما وی در ادامه بحث، از دیدگاه خود برمی‌گردد و این‌گونه استدلال مذکور را نقض می‌کند: «انصافاً این استدلال صحیح نیست؛ زیرا ظهور (روایت) در محل دید و شنود قدما بوده و عدم اعتماد آنان به ظهور روایت؛ بلکه فتوایشان برخلاف آن، موجب ظن اطمینانی به اطلاع آنان از قرینه‌ای می‌شود که سبب اراده خلاف ظاهر خواهد شد؛ چون اگر این‌طور نبوده باشد، اعراضشان از ظهور، اصلاً دلیلی ندارد. پس شهرت، هرچند به دلیل احتمال استناد مشهور به موارد غیر قابل قبول نزد ما حجت نیست، اما زمانی که برخلاف ظهوری باشد که در محل دید و شنود آنها بوده، باعث حمل ظاهر برخلافش می‌شود و حداقل موجب عدم حجیت ظاهر (روایت) در مورد شهرت (اعراض مشهور) خواهد شد؛ چون در این وضعیت، حجیت آن مشکوک است» [۳۹، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲].

در پاسخ، می‌توان گفت همان‌گونه که از کلام نائینی بر می‌آید، موهنیت اعراض، مبتنی بر حصول اطمینان به وجود قرائنی مخالف با ظاهر روایت نزد قدما است؛ معنای این مطلب آن است که بر فرض عدم حصول اطمینان، اعراض از دلالت هیچ‌گونه حجیتی ندارد و در واقع، محل نزاع هم همین است و الا در صورت حصول اطمینان به وجود قرائن، دعوایی نیست؛ زیرا اطمینان، حجیت عقلاییه دارد و این موضوع، غیر از موضوع اعتبار اعراض است. افزون بر آن، با امکان وجود قرینه نزد قدما، در روایت از جهت ظهور دو احتمال می‌رود. یا دارای ظهور است و ظهور حجیت دارد. یا اینکه ظهورش از بین می‌رود که هرچند حجیت ندارد؛ اما از محل بحث خارج است.

۴-۲-۲. دلیل قول به عدم حجیت

بنا بر اینکه دلیل حجیت خبر، بنای عقلا باشد، بنای عقلا بر حجیت ظواهر استوار است

و اراده خلاف ظاهر از روایت «معرض عنها» به سبب عدم عمل فقها به مضمون آن، از ظواهر الفاظی که حجیت عقلائیه دارند، بیگانه است؛ بنابراین، اعراض مشهور از این لحاظ اثری ندارد [۱۰، ج ۴، ص ۳۹۲]؛ مگر آنکه ظن موهن دلالت به گونه‌ای معتبر (از نظر عقل یا شرع) از وجود قرینه‌ای پرده بردارد که مانع از انعقاد ظهور روایت در معنایی شود که اگر آن قرینه نبود در آن معنا ظهور داشت؛ زیرا دلیل اعتبار ظهور، اختصاص به موردی ندارد که ظن بر عدم اراده ظهورش حاصل نشود [۱۸، ص ۳۳۲-۳۳۳]. نیز مختص به آن جایی نیست که مشهور آن را برخلاف ظاهر حمل نکرده باشند [۲۰، ج ۱، ص ۲۸۱]. البته در صورت کشف از قرینه مانع، آن ظن، موهن دلالت خواهد بود؛ اما نه از جهت آن ظن (ناشی از اعراض)؛ بلکه بدان سبب که کاشفیت معتبر از عدم انعقاد ظهور دارد؛ بنابراین، مورد مذکور از قانون عدم موهنیت به استثنای منقطع خارج می‌شود [نک: ۱۳، ج ۴، ص ۲۳۸] و به تعبیری دیگر، خارج از محل نزاع است. در هر صورت، اینکه ظن (ناشی از اعراض)، موهن دلالت و ظهور نیست، از آن جهت است که دلیل اعتبار ظهور، مختص به آن جایی نیست که ظن به عدم اراده ظهورش حاصل نشده باشد [نک: ۱۳، ج ۴، ص ۲۳۸].

آقا ضیاء می‌گوید: محور در حجیت ظواهر، ظهور لفظ در معنا به کمک قرائن موجود در حاق کلام است؛ از این‌رو، حصول ظنون خارجیه بر مطابقت یا مخالفت با ظهور، تأثیری ندارند؛ زیرا بر این مبنا حجیت و عدم حجیت، دائر مدار ظهور و عدم ظهور کلام است و اعتباری به قیام ظن از خارج بر موافقت و مخالفت نیست؛ مگر اینکه بنا بر فرض از همراهی کلام با قرائنی که به سبب دوری زمان و تقطیع اخبار بر ما مخفی مانده‌اند، پرده بردارد [۳۱، ج ۳، ص ۱۸۶-۱۸۷]. این کاشفیت چنان که بارها گفته شد، باید قطعی یا اطمینانی باشد که در آن صورت از محل بحث خارج می‌شود.

در اینجا باید به دو نکته مهم اذعان نمود: الف- فقها میان حجیت و عدم حجیت اعراض از جهت سند، با حجیت و عدم حجیت اعراض از جهت دلالت تفکیک قائل شده‌اند، در حالی که چنین تفکیکی صحیح به نظر نمی‌آید؛ زیرا مهم‌ترین مطلبی که قائلان به حجیت اعراض از جهت سند به آن استناد کرده‌اند این است که از اعراض مشهور قدما ظن یا اطمینان به وجود قرائنی برخلاف روایت، حاصل می‌شود. روشن است همچنان حصول ظن یا اطمینان به وجود قرائنی دالّ بر مخل بودن سند حدیث، امکان‌پذیر است، حصول ظن یا اطمینان به وجود قرائنی دالّ بر مخل بودن دلالت

حدیث و اراده خلاف ظاهر از آن امکان پذیر خواهد بود. بر این اساس، اگر حصول ظن یا اطمینان به وجود قرائن برخلاف سند، قابلیت استناد دارد، در هر دو مورد چنین است و اگر قابلیت استناد ندارد، از هر دو جهت چنین خواهد بود؛ بنابراین هر فقیه‌ی که قائل به حجیت اعراض از سند شده، باید به حجیت اعراض از دلالت نیز معتقد گردد و هر فقیه‌ی که به موهنیت اعراض از سند اعتقاد دارد، باید همین ادعا را در مورد اعراض از دلالت داشته باشد. ب- بدون تردید، نتیجه قول به عدم موهنیت اعراض مشهور نسبت به دلالت روایت در یک مسئله فقهی، عدم موهنیت آن نسبت به سایر مسائل مندرج در آن روایت است. بر فرض پذیرش موهنیت اعراض مشهور نسبت به دلالت روایت نیز، حجیت دلالت آن حدیث بر سایر اجزای روایت همچنان پابرجاست؛ زیرا همان گونه که برخی فقها معتقدند [۹، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ ۱۹، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ۲۶، ج ۸، ص ۲۸۶]. تفکیک در حجیت امکان پذیر است؛^۱ زیرا از یک طرف، سند حدیث، مورد اعراض قرار نگرفته و همچنان شرایط حجیت را دارد و از طرف دیگر تنها دلیلی که قائلان به موهنیت اعراض مشهور نسبت به دلالت روایت مطرح کرده‌اند، حصول ظن اطمینانی به اطلاع مشهور از قرینه‌ای برخلاف ظاهر روایت است که موجب شک در حجیت روایت در آن مسئله و در نتیجه عدم حجیت ظاهر روایت در آن خواهد شد و چنین قرینه‌ای تنها نسبت به یکی از مسائل مطروحه در حدیث وجود دارد؛ بنابراین، سایر اجزای حدیث همچنان حجیت دارند؛ مخصوصاً اینکه سایر مسائل فقهی موجود در روایت، نوعاً دلایلی بر اثبات آنها هست و حداقل پشتوانه‌ای مثل عمل مشهور دارند که این نشان می‌دهد، احتمالاً قسمتی که مشهور از آن اعراض کرده‌اند، به دلیل خطای راوی و اشتباه او در نقل باشد [نک: ۱۹، ج ۱، ص ۱۹۴].

نتیجه

الف- تحقق اعراض مشهور، به دلیل احتمال عدم اطلاع مشهور از روایت و یا عواملی همچون: وجود دو قول مشهور و غیرمشهور، احتمال وقوع اعراض مشهور به سبب

۱. مثل بطلان وضو و روزه به وسیله دروغ بر خدا و رسول (ص) و ائمه (ع) در حدیثی از امام صادق (ع) [۲۹، ج ۴، ص ۲۰۳] که ناقض بودن دروغ نسبت به وضو با عمل و فتوای مشهور فقها مخالف است [نک: ۲، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ۱۷، ج ۳، ص ۳۹۷؛ ۳۳، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ۳۴، ج ۱، ص ۸۱]. عدم قول فقها به نقض وضو به وسیله دروغ بر خدا و رسول (ص) و اهل بیت (ع) خبر را از حجیت نسبت به سایر اجزای آن روایت خارج نمی‌کند [۳۸، ج ۵، ص ۹۵].

مخالفتِ روایت با احتیاط و یا اصل و یا به سبب حُسن ظن فقیه بعدی به قبلی، به لحاظ صغروی قابل اثبات نیست.

ب- بنابر مبنای حجیت خبر از باب تعبد و وثوق به سند، راهی جز پذیرش عدم موهنیت اعراض مشهور به لحاظ کبروی نیست. بر مبنای حجیت از باب بنای عقلا نیز به علت معلوم نبودن ملاک امضای بنای عقلا توسط شارع، چنین است.

ج- با توجه به نظریه مختار مبنی بر عدم موهنیت اعراض مشهور نسبت به سند روایت، بدون تردید سندهای مشابه بر اعتبار خود باقی خواهند ماند؛ بلکه بالاتر از آن، حتی در صورت قبول فرضی موهنیت اعراض مشهور نسبت به سند روایت، سندهای مشابه از حجیت خارج نمی‌شوند.

ه- تفکیک میان حجیت اعراض نسبت به سند با حجیت اعراض نسبت به دلالت، صحیح به نظر نمی‌رسد.

و- بر فرض پذیرش موهنیت اعراض نسبت به دلالت روایت، سایر اجزای روایت مبتنی بر صحت سند و برخورداری سند از شرایط حجیت خبر، همچنان حجیت دارند.

منابع

- [۱]. آل شیخ راضی، محمدطاهر (۱۴۲۶ق). *بدایه الوصول فی شرح کفایه الأصول*. چاپ دوم، ۹ جلد، قم، دار الهدی.
- [۲]. ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، چاپ دوم، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳]. اصفهانی غروی، محمدحسین (۱۴۲۹ق). *نهایه الدرایه فی شرح الکفایه*. چاپ دوم، ۵ جلد، بیروت، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- [۴]. انصاری، مرتضی (۱۴۱۶ق). *فرائد الاصول*. چاپ پنجم، ۲ جلد، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- [۵]. ——— (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. ۶ جلد، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۶]. ایروانی، علی (۱۴۲۲ق). *الأصول فی علم الأصول*. قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۷]. تبریزی، غلامحسین (؟). *أصول مهذب*. چاپ دوم، مشهد، چاپخانه طوس.
- [۸]. تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۷ش). *دروس فی مسائل علم الأصول*. چاپ دوم، ۶ جلد، قم، دارالصدیقه الشهیده (س).
- [۹]. شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۴ق). *غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد*، محقق: رضا مختاری، ۴ جلد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۱۰]. جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵ق). *منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه*. چاپ چهارم، ۸ جلد، قم، موسسه دارالکتاب.

- [۱۱]. حائری اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). *الفصول الغریبه فی الأصول الفقہیہ*. قم، داراحیاءالعلوم الاسلامیہ.
- [۱۲]. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ*. مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۱۳]. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۶ق). *الوصول الى كفايه الأصول*. چاپ سوم، ۵ جلد، قم، دار الحكمه.
- [۱۴]. حسینی میلانی، علی (۱۴۲۸ق). *تحقیق الأصول*. چاپ دوم، ۵ جلد، قم، الحقائق.
- [۱۵]. حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸ق). *الأصول العامه فی الفقه المقارن*. چاپ دوم، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- [۱۶]. حلی، حسین (۱۴۳۲ق). *أصول الفقه*. ۱۲ جلد، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
- [۱۷]. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعہ فی أحكام الشریعہ*. محقق: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۹ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۸]. خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفايه الأصول*. قم، موسسه آل البيت (ع).
- [۱۹]. خوبی، ابوالقاسم (؟). *المستند فی شرح العروة الوثقی*، مقرر: مرتضی بروجردی، ۴ جلد.
- [۲۰]. _____ (۱۴۲۲ق). *مصباح الأصول*. مقرر: محمدسرور واعظ حسینی، ۲۲ جلد، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- [۲۱]. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). *إرشاد العقول الى مباحث الأصول*. مقرر: محمدحسین حاج عاملی، ۴ جلد، قم، موسسه امام صادق (ع).
- [۲۲]. _____ (۱۴۱۴ق). *المحصول فی علم الأصول*. مقرر: محمود جلالی مازندرانی، ۴ جلد، قم، موسسه امام صادق (ع).
- [۲۳]. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. مقرر: حسن عبدالساتر، ۱۳ جلد، بیروت، الدار الاسلامیہ.
- [۲۴]. طباطبایی، محمد مجاهد (؟). *مفاتیح الاصول*. قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۲۵]. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۰۸ق). *حقائق الأصول*. چاپ پنجم، ۲ جلد، قم، کتابفروشی بصیرتی.
- [۲۶]. _____ (۱۴۱۷ق). *مستمسک العروه الوثقی*. ۱۴ جلد، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- [۲۷]. طباطبایی قمی، تقی (۱۳۷۱ش). *آراؤنا فی أصول الفقه*. ۳ جلد، قم، محلاتی.
- [۲۸]. _____ (۱۳۸۱ش). *الأنوار البهیة فی القواعد الفقہیہ*. قم، محلاتی.
- [۲۹]. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلافا*، محقق: علی خراسانی و همکاران، ۶ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۳۰]. صنقور، محمد (۱۴۲۸ق). *المعجم الأصولی*. چاپ دوم، ۲ جلد، قم، منشورات الطیار.
- [۳۱]. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۷ق). *نهاية الأفكار*. مقرر: محمدتقی بروجردی، چاپ سوم، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۳۲]. کشی، محمدبن عمر (۱۴۹۰ق). *رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال*. مصحح: حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- [۳۳]. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). *المعتبر فی شرح المختصر*. محقق: محمدعلی حیدری و همکاران، ۲ جلد، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع).
- [۳۴]. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۳ جلد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).

- [۳۵]. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ش). فرهنگ نامه اصول فقه. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۳۶]. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *أصول الفقه*. چاپ پنجم، ۲ جلد، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- [۳۷]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). *انوار الأصول*. مقرر: احمد قدسی، چاپ دوم، ۳ جلد، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- [۳۸]. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام*. ۶ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۳۹]. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲ش). *أجود التقریرات*. مقرر: ابوالقاسم خویی، ۲ جلد، قم، مطبعه العرفان.
- [۴۰]. _____ (۱۳۷۶ش). *فوائد الأصول*. مقرر: محمدعلی کاظمی خراسانی، ۴ جلد، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

